

The approach of expediency in foreign policy decision-making of the Islamic Republic of Iran :Examining the adoption process of United Nations Security Council Resolution 598

Received: 16/12/2022

Accepted: 17/03/2023

Sayyed Jalal Dehghani Firoozabadi*

**Alireza Agahi

(62-111)

When national actors pursue their goals and interests beyond the national borders, they sometimes face conflicts that make the process of decision-making and action on their part difficult. Choosing difficult options. Decision-making, as one of the irreplaceable pillars of governance, including in the field of foreign policy, is based on the background factors of various fields and factors, and the subsequent conflicts of this process also refer to this background. The aim of the current research is to draw an approach called expediency to explain how to resolve conflict and resolve conflicts in the foreign policy decision-making process of the Islamic Republic of Iran, hence :The article seeks to analyze the dimensions of this basic question, "What is the nature of the expedient approach and the rules governing its implementation in the decision-making of the foreign policy of I.R.I?". This article with the benefit of the causal research method : It has attempted to discover and explain the relationship between the variables that are effective and affected by each other in expedient foreign policy decision-making and has found that the discussed approach refers to the concept of "maintaining the system" and clinging to the support of Shia jurisprudence in the context of the historical development of expediency in governance : It deals with the extraction of criteria that from their passage :The loss or damage of decisions and behaviors are minimized and benefits are realized to the maximum.

Keywords: Decision-making approaches, expediency, maintaining the system, Expediency criteria, UNSC Resolution 598

*. Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, jdehghani20@yahoo.com

** . PhD student in International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, (corresponding author), agahi1414@gmail.com.



سیارستاری

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی فرایند پذیرش قطعنامه ۵۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی*

علیرضا آگاهی**

(۶۲-۱۱۱)

چکیده

بازیگران ملی به هنگام پیگیری اهداف و منافع خود در ورای مرزهای ملی، گاه با تعارضاتی مواجه می‌شوند که فرایند اتخاذ تصمیم و کنش از جانب آنان را وارد تنگنای انتخاب گزینه‌های دشوار می‌کنند. تصمیم‌گیری به‌عنوان یکی از ارکان غیرقابل حذف حکمرانی از جمله در حیطه سیاست خارجی، از بستر زمینه‌ها و عوامل مختلفی سربرمی‌آورد و تراحمات مترتب بر این فرایند نیز به همین بستر ارجاع دارند. هدف پژوهش حاضر، ترسیم رهیافتی با عنوان مصلحت‌گرایی برای تبیین چگونگی رفع تراحم و حل تعارضات در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ از این رو، مقاله به دنبال واکاوی ابعاد این پرسش اساسی برآمده که «ماهیت رهیافت مصلحت‌گرایی و ضوابط حاکم بر اجرای آن در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ج.ا.ا چیست؟». این پژوهش با بهره‌مندی از روش علی، به کشف و همچنین تشریح ارتباط میان متغیرها موثر و متأثر از همدیگر در تصمیم‌گیری سیاست خارجی مصلحت‌گرایانه مبادرت نموده و دریافته است که رهیافت مورد بحث با عطف به مفهوم «حفظ نظام» و تمسک به پشتوانه فقهی تشیع در بستر تطور تاریخی مصلحت در حکمرانی، به استخراج ضوابطی می‌پردازد که از گذرگاه‌شان، ضرر یا خسارت تصمیمات و رفتارها به حداقل ممکن رسیده و منافع به‌طور حداکثری محقق شوند.

واژگان کلیدی: رهیافت‌های تصمیم‌گیری، مصلحت، حفظ نظام، ضوابط مصلحت‌گرایی، قطعنامه ۵۹۸.

*. استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. jdehghani20@yahoo.com

** دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، دانشکده علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). agahi1414@gmail.com

۱. مقدمه

سیاست خارجی و مدیریت آن، یکی از وجوه بدون جایگزین در حکمرانی سنتی و مدرن بوده که ضرورت اهتمام به آن، چنان بدیهی است که بی نیاز از استدلال است؛ چه اینکه هر حاکمیتی در خارج از قلمرو خویش، ناچار به روبه‌رو شدن با هم‌تایان کوچک و بزرگ خود خواهد بود و این موضوع زمامداران را ناگزیر از اتخاذ یک سیاست خارجی در ورای گستره تحت حکومت ساخته است. الزام به داشتن سیاست خارجی، لوازمی را نیز برای بازیگران این عرصه ایجاب می‌کند که در صدر فهرست موارد مهم، مقوله تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد؛ چرا که می‌توان تصمیم‌گیری را نقطه اتصال و مرحله انتقال از عملکرد ذهنی به کنش عینی متولیان سیاست خارجی قلمداد کرد.

تصور غالب بر آن است که حوزه سیاست خارجی متعلق به دولت‌ها است زیرا در میان کنشگران بین‌المللی، تنها این دسته از بازیگران هستند که همزمان بر چهار منبع قدرت جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت تسلط دارند؛ ولی اختلاف در چگونگی مختصات همین چهار متغیر است که موجب شده سیاست خارجی بازیگران دولتی - در عین شباهت در ابعاد و قواعد - با یکدیگر متفاوت و گاه منحصر به فرد باشند. به تبعیت از تنوع در ماهیت و کیفیت سیاست خارجی، مسئله تصمیم‌گیری در این بُعد نیز دارای انواع مختلفی است که نحوه اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها را به ویژگی‌های بازیگران واجد شرایط به طور مستقیم پیوند می‌زند. دولت جمهوری اسلامی ایران هم به‌عنوان یکی از کشورهای نظام بین‌الملل، از جمله بازیگرانی است که سیاست خارجی خاص و منطبق با خصلت‌های خود را تعقیب می‌کند که به موجب آنها مکانیسم‌های حاکم بر کارکرد رفتار منطقه‌ای و بین‌المللی ایران قابل تشریح و توضیح خواهد بود. مسئله پژوهش از آنجا شکل می‌گیرد که مدیریت سیاست خارجی در جهت دستیابی به اهداف و منافع ملی، دچار اختلال می‌شود. بر این اساس، عنوان پژوهش حاضر انعکاس‌دهنده یکی از شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که به صورت یک رویکرد در کنار سایر رویکردهای تصمیم‌گیری در محیط بین‌المللی قابل مشاهده بوده است. پرسش اصلی مقاله در جستجوی توضیح و تبیین مناسب برای یک رویکرد اختصاصی در تصمیم‌گیری سیاست

خارجی جمهوری اسلامی، به این ترتیب صورت می‌بندد که «ماهیت رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ضوابط حاکم بر سازوکارهای اعمال آن چیست؟»

در مسیر پاسخ‌دهی به سوال مزبور لازم است تا گزاره‌هایی نیز به عنوان چهارچوب مفروضات برای این بحث در نظر گرفته شوند. تعدادی از این مفروضات عبارت‌اند از:

- رهیافت‌های خرد و کلان در سیاست خارجی، نیازمند پشتیبانی از سوی یک یا چند نظریه همگن هستند.

- جمهوری اسلامی ایران مانند تمامی دولت‌های عضو نظام بین‌الملل در چهارچوبی قرار دارد که او را ملزم به پیروی از قواعد عام سیاست خارجی می‌کند؛ اما این نظام سیاسی دارای خصلت‌های مختص به خود بوده که در پرتو مقدورات و محذورات ناشی از آنها، ممکن است در شرایط مشابه با سایرین یا حتی سابقه تاریخی خود، رفتاری متفاوت را بروز دهد.

- مفهوم «مصلحت‌گرایی» متضمن نوعی جهت‌گیری در اتخاذ تصمیمات است که به‌طور مستقیم تحت تأثیر محیط، عناصر و افراد دخیل در امر تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

- مصلحت‌گرایی آنگاه که به شکل رهیافت در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ظاهر می‌شود؛ در بردارنده عوامل سلبی و ایجابی برای ایفای مأموریت «دفع ضرر، رفع خسارت و جلب منفعت» در قبال جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

- تعیین، انتخاب و تحقق مصلحت‌ها به عنوان معیار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، بدون برخورداری از ضابطه‌مندی و سازوکارهای روشمند ممکن نیست. در غیر این صورت، نظام سیاسی در برابر تبعات منفی «مصلحت‌گرایی ناقص»، آسیب‌پذیر خواهد بود.

- در مقایسه جایگاه چندین مصلحت با یکدیگر در هنگام انتخاب گزینه تصمیم‌گیری؛ علاوه بر ابعاد کیفی نظیر خوب/بد، بهتر/بدتر، بهترین/بدترین، عادی/اضطراری؛ ابعاد کمی همچون بزرگ/کوچک، قوی/ضعیف، بلندمدت/کوتاه‌مدت نیز مطرح می‌شوند. از این رو، مصلحت دارای مدارج و مراتب بوده و متکثر و متنوع هستند.

پاسخ موقت و فرضیه قابل طرح در برابر سوال اصلی پژوهش حاکی از آن است که

رویکرد مصلحت‌گرایانه، با تمرکز بر تصاویر سه‌گانه از مفهوم «حفظ نظام»، ضوابطی مبتنی بر «بهینه‌سازی عقلانیت و بیشینه‌سازی منفعت» را فراهم می‌آورد که به واسطه کاربست آنها تراحمات و تعارضات موجود در مسیر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و تحقق هدف آن، به‌ویژه در هنگام اضطرار، چالش‌ها و تهدیدات مخاطره‌آمیز قابل رفع خواهند بود.

پیکربندی مقاله به نحوی سازماندهی شده است که پس از مرور مهمترین ادبیات پژوهشی مربوط به متغیرهای مصلحت و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چهارچوب نظری رہیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ج.ا.ا را به بحث گذارده و در خلال آن به کارویژه اصلی و غایت رہیافت یاد شده و سپس رابطه آن با نظریه اسلامی سیاست خارجی به عنوان پشتوانه تئوریک کاربست رہیافت مصلحت‌گرایی پرداخته و یافته‌های شش‌گانه‌ای از کاربست این رہیافت عرضه می‌شود. تطبیق کاربست رویکرد مصلحت‌گرایی با فرایند تصمیم به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تبیین این تصمیم بر اساس زمینه‌های چهارگانه به عنوان بخش پایانی پژوهش، تعبیه شده‌اند.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش پیش‌رو بر شالوده تبیین علی روابط موجود بین متغیرهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به شیوه مصلحت‌گرایانه است تا به موجب آن و از طریق برقراری رابطه علت و معلولی بین متغیرها، درک عواملی که باعث پدید آمدن یک تصمیم-کنش مصلحت‌جویانه می‌شوند، مقدور گردد و نحوه رفع تراحم بین عوامل تعارض‌آفرین در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی امکان‌پذیر باشد. نکته مهم در اینجا، توجه و اشاره به فرایندی است که مصلحت‌گرایی را در معنای خاص خود ایجاب ساخته و به کشف یا ساخته شدن آن کمک می‌کند.

استدلال محوری پژوهش دائر بر آن است که رہیافت مصلحت‌گرایی به طور عام، این مأموریت را بر عهده دارد که بیشترین منفعت را برای عموم مردم تدارک نماید و اگر در این راستا، موانعی ظاهر شوند که عرصه را برای حل مسائل حکمرانی از جمله در زمینه سیاست خارجی و حیطه منافع وجودی و حیاتی تنگ کرده و تصمیم‌گیری را دچار اختلال و نظام را

به نوعی ناکارآمدی مبتلا کنند، آنگاه باید به وسیله ضوابطی که توسط منابع مشروعیت بخش به حاکمیت قاعده مند شده‌اند، برای انتخاب بهینه از میان گزینه‌های عقلایی وارد عمل شد، به نحوی که نتیجه آن گزینه متضمن بیشترین منفعت یا کمترین ضرر باشد؛ تا به این ترتیب از تبعات منفی نظیر انفعال در تصمیم‌گیری، ایدئولوژی زدگی در اقدامات و همچنین عملگرایی مطلق اجتناب شود.

استنتاج اصلی مقاله درباره مطالعه موردی هم آن است که تغییر در وضعیت امتیازات میدانی به ضرر ایران و به سود عراق، به عنوان مهمترین کارت بازی جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به بهترین موقعیت برای ترک مخاصمه و همچنین مجموعه تهدیدات متصوره از ناحیه سیاست‌های نیروهای فرامنطقه‌ای، رقبای منطقه‌ای و نیز شرایط دشوار داخلی، مصلحت را در قامت تحقق کف مطالبات ایران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ظاهر ساخت که با تمسک به قواعد رفع نزاع مصلحت‌گرایی، چرخش راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس تکلیف‌گرایی، عقلانیت و مصلحت‌جویی معطوف به حفظ نظام در ابعاد سه‌گانه مجسم شد.

منابع مورد استفاده در مقاله عموماً از میان متون لاتین برای توضیح رهیافت‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و همچنین متون فارسی به منظور تشریح مفهوم مصلحت و ضوابط بکارگیری آن انتخاب شده‌اند. پیرامون مطالعه موردی، تحلیل زمینه و عوامل مؤثر در پذیرش مصلحت‌گرایانه قطعنامه ۵۹۸، تلاش شده است تا به منظور استحکام استدلال و اتقان مباحث، بیشتر از دیدگاه‌های مکتوب یا مصاحبه‌های تصویری مقامات و مسئولین حاضر در آن مقطع، که در رسانه‌ها منتشر شده‌اند و همچنین اسناد مرتبط بهره‌گیری شود.

۳. مفاهیم اصلی پژوهش

رهیافت: مفهوم یاد شده به دیدگاه یا چارچوب نظری اطلاق می‌شود در ذهن وجود دارد؛ ارزش مدار بوده و بر اساس آنچه اهمیت دارد، پی‌ریزی می‌شود (Marume and others, 2016, 69) و طرح‌واره یک مطالعه را با بهره‌گیری از عناصر فلسفه، چیدمان تحقیق و روش پژوهش فراهم می‌آورد (creswell and creswell. 2017, 5).

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۶۷

رویکرد تصمیم‌گیری: جهت‌گیری شناختی برای درک نحوه تدوین و اجرای اقدامات (در اینجا درباره سیاست خارجی) که با بهره‌مند شدن از یافته‌های علوم‌های مانند علوم سیاسی، مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و... در پی فهم کنش بازیگر حرکت می‌کند. (Blankshain, 2019). همچنین این رویکرد با تمرکز بر مطالعه سیاست‌ها، در صدد توضیح سیاست خارجی به وسیله نحوه‌ای از تبیین، عوامل و روابط علی یا متغیرهای مستقل برمی‌آید (Dorani, 2019).

سیاست خارجی: منظور از این مفهوم، مجموع روابط خارجی رسمی است که توسط یک بازیگر مستقل اعم از دولتی یا غیردولتی در روابط بین‌الملل انجام می‌شود. این روابط خارجی فراتر از اقدامات یک نهاد خاص نظیر وزارت خارجه هستند (Hill, 2015, 3-4) و مجموعه‌ای از اقدامات یا قواعد حاکم بر اقدامات یک بازیگر سیاسی مستقل در محیط بین‌الملل را شامل شود (Morin and Paquin, 2018: 3).

مصلحت‌گرایی: تسهیل‌سازی و سودمندی یک پدیده، کنش، رفتار و...، با وجود احتمال عدم تناسب آن با نظامات اخلاقی، به عنوان تعبیری برای مفهوم مصلحت‌گرایی محسوب می‌شود که ممکن است در یک موقعیت خاص، مبادرت به آن ضرورت داشته باشد (Merriam-Webster Dictionary, 2023) هرچند که اقدام ایده‌آلی به شمار نیاید (Cambridge English Dictionary, 2023).

حفظ نظام: این مفهوم در وجه سیاسی خود به دوام و توانایی یک سیستم برای حفظ ساختارهای خود در طول زمان اشاره دارد که بر اساس آن نهادهای رسمی و قانونی آن نظام با تغییرات سازگار شده و قادر به استمرار فعالیت خویش خواهند بود (Boddy-Evan, 2020). در دیدگاه موسع، فارغ از تفاوت‌های هنجار، ساختاری، سیاسی، اجتماعی و... در جوامع گوناگون، دایره مفهومی حفظ نظام حتی ممکن است محدوده سازوکارهایی را نیز که زندگی نوع بشر به آن‌ها وابسته است، دربرگیرد (نوبهار، ۱۳۹۸، ۵۲)

دیدگاه پژوهش حاضر در خصوص مفاهیم اصلی یادشده به شرح جدول زیر است:

جدول ۱: مفاهیم اصلی پژوهش

ردیف	مفهوم	شرح
۱	رهیافت	«رهیافت» یا رویکرد با فراهم کردن یک زاویه دید معطوف به مسئله شناخت؛ بر اساس پرسش‌های مطروحه، ماهیت داده‌های جمع‌آوری شده و دیدگاه‌های نظری و فلسفی، درک عمیق‌تری پیرامون موضوع مطالعاتی و شکل دهی به بینش جدیدی درباره آن را امکان‌پذیر می‌کند.
۲	رویکرد تصمیم‌گیری	تلاش سامانمند برای فهم فرآیند تصمیم‌گیری یک بازیگر و شناسایی عواملی که در تعامل با یکدیگر، بر شکل و محتوای تصمیمات وی اثر گذاشته و در نهایت به یک نتیجه خاص در خروجی منجر می‌شوند.
۳	سیاست خارجی	به کارگیری روش‌ها و ابزار خصمانه یا دوستانه برای پیگیری اهداف و منافع بازیگر دارای استقلال و عمدتاً دولتی، در تقابل، شراکت یا همکاری با سایر کنشگران حاضر در محیط فراملی.
۴	مصلحت‌گرایی	تمایل به اتخاذ و در پیش گرفتن مسیرهای اقدام که بر اساس آن کنشگر کمترین خسارت ممکن را متحمل شده یا بیشترین منفعت متصوره را کسب کند.
۵	حفظ نظام	بقا و تاب‌آوری مجموعه‌ای به هم پیوسته از عوامل مادی همچون قلمرو، نهادها، جمعیت و عناصر غیرمادی نظیر هنجارها، ارزش‌ها و ایدئولوژی که در کنار همدیگر، نوعی معنادار از شیوه زیست انسانی را پدید می‌آورند.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۴. پیشینه پژوهش

با ترکیب سه مفهوم «مصلحت»، «تصمیم‌گیری» و «سیاست خارجی» در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، در جستجوی متون علمی موارد متعددی به دست خواهند آمد که برخی از آن‌ها با عناوین و محورهای زیر قبال توجه و بهره‌برداری هستند:

پورسعید «مصلحت نظام» را در کنار «ولایت فقیه» و «حکم حکومتی»، مکمل

سه‌گانه‌ای به شمار می‌آورد که یک گفتمان ابزاری را برای مشروعیت‌یابی جمهوری اسلامی ایران حول سه عنصر «عملگرایی در روابط خارجی»، «منفعت‌طلبی در سیاست‌گذاری» و «رشد‌گرایی در روابط اقتصادی» مفصل‌بندی می‌کند (پورسعید، ۱۳۸۳).

افتخاری مصلحت را از دیدگاه فقهی شیعه و همچنین معنا و مقام آن را در اندیشه سیاسی ایرانی جستجو کرده است. وی تکامل مفهومی مصلحت تا زمان حاضر را محصول تعامل دو حوزه معرفتی ایران و اندیشه اسلامی می‌داند. در تبارشناسی این مفهوم به عنوان یک قاعده در فقه سیاسی شیعه، مصلحت در سطح راهبردی با حداکثرسازی اختیارات حکومت و در حوزه تراحم دو حکم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در دیدگاه ایرانی، مصلحت می‌تواند با معنایی عام که دربرگیرنده همه نیازهای مادی و معنوی مردم باشد یا در رویکردی فلسفی ضابطه تفکیک نظام‌های سیاسی از یکدیگر قرار گرفته و متناسب با برداشتی که از ماهیت نحوه تأمین مصالح وجود دارد، گونه‌های مختلفی از مُدُن را تصویر سازد یا در نگاه موسوم به «آیین وزراء» مصلحت منحصر در کسب، حفظ و بسط قدرت است و نظام سیاسی را با محوریت صاحب قدرت، یعنی پادشاه، ترسیم می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۵). همچنین دو کتاب نیز توسط همین پژوهشگر در شرح و بسط مفهوم مصلحت تدوین و تألیف شده است (افتخاری، ۱۳۹۰ الف؛ افتخاری، ۱۳۹۰ ب).

سلیمانی در مقایسه مصلحت در اندیشه سیاسی غرب و اندیشه اسلامی، این مفهوم را در پهنه نخست ناظر بر نفع جامعه و در گستره افکار اندیشمندان مسلمان، متوجه محوریت شریعت یافته که در سیر تطور اسلام سیاسی و تشکیل حکومت دینی، لاجرم به حوزه حکمرانی نیز وارد شده است تا متعلقات سه‌گانه مصلحت‌اندیشی (مصلحت شرع - مصلحت نظام - مصلحت عمومی) را از جمله حیطه سیاست خارجی تحت پوشش خود قرار دهد (سلیمانی، ۱۳۸۹).

سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی مصلحت را معیاری برای جهت‌دهی و هدایت تصمیمات سیاست خارجی در راستای منافع مادی و معنوی در قلمروی دنیوی و اخروی ترسیم کرده‌اند که فرد تصمیم‌گیر و کنشگر انسانی در اولین لایه فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم را به عنوان معیار اخذ تصمیم قرار

می‌دهد تا در ساختار تصمیم‌گیری (لایه دوم: نحوه، جایگاه و عناصر موثر در تصمیم‌گیری‌ها) و نتیجه عینی و خروجی تصمیمات متخذه (لایه سوم: تعامل با متغیرهای فراملی، نظام بین‌الملل، بازیگران خارجی، الگوهای دوستی و دشمنی) اهداف خویش را پیگیری نماید (سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳).

ظریف و سجادیه کوشیده‌اند بدو از طریق سلبی، با کشف و کنار گذاشتن روایت‌های درون و برون دینی از مفاهیمی که مقابل و مجاور مصلحت هستند و سپس در پیش گرفتن مشی ایجابی بوسیله کنکاش در متون فقه سیاسی امامیه، خود را به مفهوم مصلحت رسانده و به تبیین ضوابط گفتمانی آن پردازند (ظریف و سجادیه، ۱۳۹۳).

در پژوهش حاضر نیز تلاش می‌گردد ضمن بررسی جزئی‌تر نسبت رهیافت‌های تصمیم‌گیری، تشریح ماهیت رویکرد مصلحت‌گرایانه و شقوق آن؛ نحوه‌ای از تصمیم‌گیری عقلایی در یکی از حساس‌ترین مقاطع و وقایع تاریخ معاصر ایران تصویر و قاعده‌ای از آن استخراج کند که می‌توان آن را رویکرد مصلحت‌گرایانه در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نامید. از این رو در این نوشتار کوشش شده تا کاربرد عنصر مصلحت در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی از سطح مفهوم به رهیافت منتقل شود؛ به این معنا که مصلحت‌گرایی به عنوان یک رویکرد مستقل - که از پشتوانه نظری نیز برخوردار است - در تصمیم‌گیری سیاست خارجی مطرح می‌گردد.

۵. چهارچوب نظری رهیافت مصلحت در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱) رهیافت مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا؛ کارویژه و غایت

دستیابی به درک مناسب از مفهوم مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وابسته به یک تصویر بزرگ‌تر است که مصلحت نیز یکی از اجزای آن است. این تصویر بزرگ‌تر را می‌توان به عنوان یک نظریه و چهارچوب مفهومی حاصل از آن در نظر آورد. با توجه به سویه‌های هنجارمدار و گویه‌های معنامحور که ماهیت متمایزی را برای دولت جمهوری اسلامی در تعاملات بین‌المللی ایجاب ساخته و هویتی متفاوت از سایر بازیگران

را برای نظام جمهوری اسلامی ایجاد می‌نماید، ضروری است تا نظریه پشتیبان در اجرای سیاست خارجی این نظام نیز با سویه‌ها و گویه‌های رفتاری آن سازگار باشد. از این حیث، انتخاب نظریه اسلامی برای تبیین و توضیح سیاست خارجی ج.ا.ا مناسب خواهد بود. چهارچوب مفهومی این پژوهش از آن رو بر ارکان «نظریه اسلامی سیاست خارجی» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰) پی‌ریزی شده که علاوه بر در نظر گرفتن تشریحات متعارف درباره تصمیم‌گیری از چشم‌انداز نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، از تبیین صفات اختصاصی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه نیز باز نماند. در این منظرگاه، کاربرد مصلحت‌دلیلی بر نوعی از تصمیم‌گیری عقلانی است که در دو بُعد «محتوایی» (وجه معنوی علاوه بر ابعاد مادی) و گستره زمانی مستمر (هم‌دنیوی و هم‌خرویی) جریان داشته و به این لحاظ، از منفعت‌گرایی مرسوم متمایز می‌شود. همچنین برخورداری از امکان تبیین «ماهیت و هویت اسلامی» ایران در سیاست خارجی، در نظر آوردن ساختارهای غیرمادی و هنجارپایه، تلفیق سطوح فردی، داخلی و بین‌المللی و همچنین توجه به اهداف فراملی، مزیت نظریه اسلامی در مقایسه با سایر مؤلفه‌های تحلیل سیاست خارجی به شمار می‌رود.

پیش از پرداختن به رابطه رهیافت مصلحت‌گرایی با نظریه اسلامی سیاست خارجی و در طول سؤال کانونی مقاله پیرامون ماهیت و ضوابط مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی، طرح این پرسش منطقی است که اصولاً هدف غایی و کارویژه اساسی رهیافت مذکور در حوزه مورد نظر چیست؟

پژوهش حاضر بر آن باور است که حرکت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول نظریه اسلامی سیاست خارجی و در مسیر رویکرد مصلحت‌گرایی را می‌بایست ناظر به منفعتی کانونی و کلان دانست که تمامی منافع کوچک و بزرگ، کم یا زیاد، کوتاه‌مدت و بلندمدت و... یکسره به آن وابسته هستند و این منفعت بی‌بدیل در مفهوم «حفظ نظام» متبلور می‌شود. بدیهی می‌نماید که اگرچه سیاست خارجی عرصه‌ای کارساز برای تأمین منافع یک حاکمیت و انسان‌های آن تحت حکومت آن است، اما همه چیز منحصر به این حوزه نیست. بلکه حیات اجتماعی مراتب، وجوه و ابعاد متنوعی دارد که با وجود مرزهای

قابل تشخیص، با همدیگر ارتباط و تبادل نیز دارند. رویکرد مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی به بازیگر یاری می‌رساند تا «برآیند نوسانی» رخدادها، حوادث و تحولات را بوسیله صیانت از منافع مثبت نماید و تهدیدها را خنثی یا کم اثر سازد. در این چارچوب؛ منظور از «حفظ نظام» (حداقل) در سه تصویر منعکس می‌شود:

۱. نظام به معنای مجموعه‌ای از پندارها، باورها و ارزش‌ها است که رفتارهای خاصی را تجویز و از کنش‌های مخالف با آن مجموعه، نهی می‌کند که در غیر این صورت، بازتولید هویت و منفعت متعلق به وابستگان نظام مزبور، متوقف یا محو می‌شود.

۲. نظام عبارت است از سامان سیاسی و اجتماعی که هدایت و مدیریت امورات مردم یک جغرافیا را بر عهده دارد که با «داشته‌های خود» در جهت کسب «خواسته‌های تصمیم‌گیران»؛ حرکت می‌کند. شکاف غیرقابل جبران میان داشته‌ها و خواسته‌ها، بقای سامان سیاسی و اجتماعی را با مخاطره روبرو می‌کند.

۳. نظام در قامت سازوکارهای مربوط به پیشبرد کنش‌های متشکل از نیت و رفتار، در حیات گروهی از انسان‌ها شامل زمامداران و اتباع ایشان اطلاق می‌شود. اختلال در عملکرد این ساز و کارها؛ ابتدا کنش‌ها و سپس کلیت همبستگی و پیوستگی گروه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در صورت عدم علاج، فروپاشی آن را متصور می‌سازد (جمالزاده و باباخانی، ۱۳۹۶، ۱۳: ۹-۱۱).

در حوزه فقه شیعی به عنوان پایه و اساس حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، مقوله «حفظ نظام» با تحول و تطور مفهومی همراه بوده و در نهایت به صورت یک قاعده جامع‌الشمول درآمده است که سه تصویر یادشده را در گزاره‌هایی چون «حفظ کیان اسلام»، «حفظ نظم عمومی»، «حفظ حکومت مشروع موجود»، «حفظ امنیت»، «حفظ استقلال» در برابر مداخلات بیگانگان» و «حفظ وحدت و انسجام ملی» مطرح می‌کند (طاهری و خسروی، ۱۳۹۱، ۲: ۲۰۹-۲۱۳).

امام خمینی؛ نیز به عنوان فقیه نظریه پرداز ولایت فقیه و بنیان‌گذار حکومت اسلامی مبتنی بر مردمسالاری، تأکید ویژه‌ای بر حفظ نظام داشته است (برای نمونه: موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۱۴۶-۱۶۱). همچنین آیت‌الله خامنه‌ای نیز توجه ویژه‌ای به این مسئله و مؤلفه تعیین‌کننده

رہیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۷۳

در جمهوری اسلامی دارند (برای نمونه: بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۶). دقت در گزاره‌های موردنظر امام خمینی؛ و آیت اله خامنه‌ای به عنوان زعمای انقلاب و رهبران جمهوری اسلامی، درباره چستی و چگونگی «حفظ نظام»، مؤید این نکته است که تصاویر سه‌گانه پیش‌گفته درباره نظام و ضرورت صیانت از آن، جایگاه کانونی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران دارد و مصلحتی فوق و فراتر از سایر منافع و مصالح متصور در این نظام سیاسی است؛ زیرا در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی ایران، بقای اسلام در گروی تداوم نظامات آن است و پس از تشکیل حکومت اسلامی (در اینجا به شکل جمهوری اسلامی)، حاکمیت و اتباع آن عهده‌دار حفاظت و اجرای آن نظاماتی هستند که در صورت اخلال در آن‌ها، نه تنها حکومت و اتباع آن؛ بلکه خود اسلام در قامت دین و شیوه زیست برگزیده آسیب می‌بیند. با این حساب، ملاک به کارافتادن رهیافت مصلحت‌گرایی، تحقق «اصل حفظ نظام» و کارکردهای آن در اداره امور جامعه جمهوری اسلامی ایران است. از این حیث، در مواردی که بین حفظ نظام و سایر احکام-موضوعات تعارض وجود داشته باشد، باید براساس مصلحت قوی‌تر، احکام دیگر از جمله حکم اولی کنار گذاشته می‌شوند؛ زیرا مصلحت حفظ نظام، مصلحتی است که علاوه بر حفظ دین، مصلحت افراد جامعه را نیز در بر می‌گیرد. دوباره تأکید می‌شود که تعیین مصلحت مهم‌تر و عمل به آن در ازای متوقف ساختن سایر گزینه‌های سلبی و ایجابی که از بنیان‌های تجویزی حاکمیتی نظیر احکام، قوانین و مقررات سرچشمه گرفته‌اند، امری مطلق نیست بلکه وابسته به ارزیابی شرایط توسط تصمیم‌گیران و متخصصان، بقای «موضوع» مصلحت‌گرایی و ضوابط مربوط به مصلحت‌پردازی است (ولایتی، ۱۳۹۴، ۱۲: ۱۰۸).

۵-۲) رهیافت مصلحت‌گرایی؛ مظهر کاربست نظریه اسلامی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران

از میان مجموعه نظریات متعدد مربوط به ترسیم، توصیف و همچنین تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ا، نظریه اسلامی به‌علت سازگاری بیشتری برای توضیح مفاهیم متفاوت و گاه منحصر به فرد سیاست خارجی ج.ا.ا برگزیده شده است. زیرا همان‌گونه که از

ماهیت درونی و ظاهر نظام سیاسی بر می‌آید، وجه اسلامیت بر سایر ابعاد آن غالب بوده و اساساً وجه ممیزه کنش جمهوری اسلامی ایران در قیاس با سایر بازیگران هم‌تا در موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود.

درک کیستی (هویت) و انگیزه تصمیم‌گیران اصلی در تعیین روند پیشبرد امور خارجی بازیگر اهمیت دارد چه اینکه این موضوع با امنیت هستی‌شناختی آن پیوند خورده است. تعریف بازیگر از نقش خود در فضای بین‌المللی است که برای او دستور کار می‌سازد و جهت‌گیری سیاست خارجی وی را در مراتب و موضوعات مختلف مشخص می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱، ۱۵۴). با درپیش گرفتن رویکرد اسلامی، تصمیم‌گیر در سیاست خارجی، خود را «عبد» و ایفای تکلیف اعم از باور مستقر و غیرقابل تغییر به نظام هنجارهای تعیینی و عمل مستمر به اوامر و نواهی برآمده از چنین نظامی را جزئی از «عبادت» محسوب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۵۷۹-۵۸۳).

تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در سیاست خارجی ج.ا.ا، در سایه و تحت تسلط اقتضائاتی هستند که هر کنشگر دیگری نیز که در جایگاه ایشان قرار بگیرد، ملزم به رعایت این ملاحظات در تصمیم‌گیری این حوزه از سیاست‌ورزی خواهد بود. در نظریه اسلامی سیاست خارجی، تصمیم‌گیری به‌عنوان جزئی از «تعبد» باید بر پایه ارزش‌ها و هنجارهایی رقم بخورد که از ابعاد ایدئولوژیک و باورها؛ سیاست خارجی را در مسیر نیل به آرمانها و اهداف مطلوبش هدایت کند. از این رو، کارگزار تصمیم‌گیر برای سیاست خارجی ج.ا.ا، بایستی در پی ابزاری باشد تا در دسترس بوده و به طرزی روشمندانانه به مفهوم «تعبد» تجلی و به نتیجه آن تحقق بخشد. این ابزار که با مفهوم «عقلانیت» شناخته می‌شود: العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان - عقل آن است که به وسیله آن خدای رحمان پرستش شود و بهشت به دست آید (ابن بابویه، ۱۳۸۹، ۲۳۹). به این ترتیب، تصمیم‌گیران در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، کنشی عقلانی و خردمندانانه را جستجو می‌کنند که متضمن خصوصیات زیر باشد:

اولاً فطری و در همه انسان‌ها مشترک است. یعنی در صورت رفع موانع و عوارض مترتب بر این‌گونه از عقل‌مندی، هر انسان دیگری هم به کنشی مشابه با تصمیم‌گیر مورد نظر، متمایل می‌شود؛

ثانیاً مؤلفه‌های این عقلانیت، ذهنی و برساخته نیستند بلکه واقعی و قابل کشف بوده و از اعتباری یکسان (با توجه به فطرت راستین در انسانها) در نزد همگان برخوردارند؛ ثالثاً علاوه بر فیلترهای ہنجاری و ارزشی، ارادہ و انگیزہ کنشگر را در قالب عقل عملی و کل نگر بہ رسمیت می‌شناسد کہ در ضمن آن ارزیابی بایستہ‌های اخلاقی با روند پیگیری منافع بر اساس سنجیدن ہزینہ-فایده ہر کنش سیاسی تلفیق می‌شوند؛ بہ ترتیبی کہ موجودیت و کلیت نظام مبنای تصدیق بہ فایده و عمل بہ تصمیم قرار می‌گیرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ۱۹-۱۲).

رہیافت مصلحت‌گرایی بہ تبعیت از نظریہ اسلامی سیاست خارجی بین عوامل سہ‌گانہ «تکلیف محوری»، «عقلانیت» و «مصلحت» رابطہ ارگانیک برقرار کردہ و آنها را لازم و ملزوم یکدیگر می‌پندارد. اگر عقلانیت در حدّ اعلای خود بہ کار گرفتہ شود، مصلحت و تکلیف نیز با کیفیتی متناسب و ہمنوا با آن محقق می‌گردند.

تعدد و آمیختگی متغیرهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی در دولت اسلامی از قبیل: متغیرهای شناختی، ماہیت و کیفیت عقلانیت بہ کار رفتہ در تصمیم‌گیری سیاست خارجی و پویایی‌های محیطی، در عین روابط «لازم-ملزوم» منطق‌های سہ‌گانہ در نظریہ اسلامی سیاست خارجی، تکویناً بہ فرایندی چندلایہ می‌انجامد کہ روح حاکم بر آن را عقلانیت فطری-کل نگر تشکیل می‌دہد؛ چہ اینکہ در اثنای ابہام در «تکلیف»، «مصلحت» و مصادیق آنها؛ فضای مہ‌آلودی در مقابل کارگزار سیاست خارجی ایجاد می‌شود کہ تنها بہ واسطہ مراجعہ متخصصین بہ این گونه از عقلانیت کہ بہ عنوان «محکّمات» (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۳۰-۲۹) از آن یاد می‌شود، می‌توان از ارتکاب اشتباہات شناختی ممانعت کرد؛ عقلانیتی کہ در لایہ‌های زیر مسیر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را ہموار می‌نماید:

- کارگزاری: نظام باورها، اعتقادات و شناخت تصمیم‌گیران نسبت بہ ویژگی‌های احکام و قواعد اسلام؛

- نهادی: پی‌ریزی و راہبردی عملکرد نهادها و سازمان‌های مشارکت‌کنندہ در ادارہ سیاست خارجی بر اساس نظام شناختی برآمده از ہنجارهای درونی شدہ اسلام؛

- ساختاری: نحوه توزیع نقش‌ها، ارزش‌ها، ہنجارها و رویہ‌ها در سطح حاکمیتی و

حکومتی بر مبنای آموزه‌ها و انگاره‌های مورد تأیید اسلام (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ۲۸-۲۹).

کنش تصمیم‌گیر متضمن غربالگری مداوم در میان گزینه‌های موجود تا هنگام رسیدن به تصمیم مطلوب بر اساس «تعبد» - به عنوان هسته سخت انگیزه و رفتار کنشگر سیاست خارجی اسلامی - است. غربال‌های تعبیه شده در مسیر تصمیم‌گیری نیز با این کارویژه استفاده می‌شوند که «تعبد» را محقق نمایند و به گونه‌ای هستند که خروجی تصمیم‌گیری مغایر با مبانی و هنجارهای بنیادین نباشد؛

تیم تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر سیاست خارجی را دچار بی‌عملی (انفعال) یا بدعملی (انتخاب گزینه ناکارآمد) یا بن‌بست نکند؛ و انتخاب نهایی از بین گزینه‌های باقیمانده به ترتیبی صورت بگیرد که بهترین نتیجه محتمل (حداکثر فایده-فرصت و حداقل هزینه-تهدید) را همراه داشته باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ۳۴-۳۰).

جدول زیر شرح فشرده‌ای از ابعاد و زمینه‌های چندلایه ورود رهیافت مصلحت‌گرایی به حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در خود جای داده است:
جدول ۳: زمینه‌ها و ابعاد رهیافت مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی

	منفعت - خیر - خوبی - سود - ذات اصلی پدیده‌ها - پرهیز از ضرر و خسارت	الف) معانی رایج	زمینه‌ها و ابعاد رهیافت مصلحت گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا
	منفعت مشروع - دفع ضرر - اعمال حکیمانه و مدبرانه حاکمان	ب) مصادیق اصطلاحی	
حسینی، ۱۳۸۰: (۸۹)	مصلحت به معنای منفعت به کار می‌رود.	ج) ابعاد حاکمیتی مصلحت	
	حاکمیت باید نسبت به منافع و مصالح عمومی اهتمام داشته باشد. مصلحت منحصر به منافع دنیوی نیست بلکه حوزه دین و آخرت را نیز شامل می‌شود.		
(میرزاده)	ثابت: مصلحتی	د)	۱. زمان

<p>کوهشاهی و فارسی، ۱۳۸۹، ۳)</p>	<p>همیشگی که با مرور زمان و تحولات مشمول تحول نیست و احکامی نیز که بر اساس آن صادر می‌شوند نیز تغییرناپذیرند.</p>		<p>شاخص‌های دسته‌بندی مصلحت در رابطه با حکومت و حاکمیت</p>	
	<p>متغیر: مصلحتی غیردائمی که به اقتضای زمان و مکان وجود دارد و احکام مبتنی بر آن نیز متغیر و وجود آنها وابسته به وجود مصلحتی است که بر آن مبنا وضع شده‌اند.</p>			
	<p>مقطوع: حصول آن قطعی است، مثل تأمین امنیت بواسطه دفاع همه‌جانبه از استقلال و تمامیت ارضی یک دولت- ملت از سوی حاکمیت مستقر.</p>	<p>۲. انتظار تحقق و حصول</p>		
	<p>مظنون: حصول آن معطوف به گمان</p>			

	<p>(خوش بینی) است؛ نظیر برقراری رابطه سیاسی با همسایگانی که سیاست‌هایی همسو و سازگار در محیط کنش مشترک دارند.</p>			
<p>(برگرفته از: قراملکی، ۱۳۸۶)</p>	<p>مشکوک: حصول آن با تردید (بدبینی) مواجه است؛ مانند استمرار مواضع اعلامی و عدم اصطکاک میان هنجارهای تجدید نظر طلبانه سیاست خارجی و تجویزات آمرانه سازمان‌های بین‌المللی.</p>	<p>پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال مجله علوم انسانی</p>		
<p>(حسینی، ۱۳۸۱)</p>	<p>وضوح مقررات و قواعدی که کنش‌های فردی یا اجتماعی مجاز یا ممنوع می‌سازند. ضابطه اداره بهینه حکومت و ساز و کاری در جهت</p>			

	<p>اعمال هنجارهای حاکمیتی مشروط بر آنکه فراتر از منافع شخصی و گروهی حاکمان و بلکه در چارچوب منافع عمومی باشد و متخصصان موضوع؛ بدون تساهل و اغماض، ضرورت و تناسب آن با منفعت همگانی را تشخیص دهند.</p>			
<p>(افتخاری، ۱۳۹۲، ۸۴-۸۲)</p>	<p>سه دیدگاه کلامی: ۱. مصلحت از حیث اصطلاحی به خیر مبتنی بر شریعت الهی دلالت دارد و از لحاظ ماهیت، پسینی است. ۲. مصالح و مفاسد امور پیشینی هستند و احکام الهی نیز ناظر به همانهاست. ۳. مقررات و قواعد</p>	<p>۴. مصلحت کلامی در مقابل مصلحت فلسفی</p>		

	<p>بر اساس مصلحت طراحی شده‌اند و از این منظر هر چه که در مجموعه این مقررات و قواعد باشد جزء مصالح جامعه هدف به شمار می‌رود اما این رابطه دوجانبه نبوده و الزاماً هر مصلحتی، مشروع به حساب نمی‌آید.</p>			
	<p>دیدگاه فلسفی: ۱. خوبی/بدی یا حسن/قبح هر چیزی با عقل قابل تشخیص است؛ مقدم بر احکام، قواعد و مقررات بوده و تشریح برآمده از دین نیز آنها را تأیید می‌کند. پس مصلحت مؤلفه‌ای پیشینی و منطبق با فطرت طبیعی است. ۲. عقل بطور مطلق نمی‌تواند مصالح را بشناسد</p>			

	<p>و پس از اظهار نظر و تعیین از جانب دین - که به صورت نقل معتبر صورت می‌بندد - حسن / قبح امور مشخص می‌شوند.</p>			
<p>(رهبر، ۱۳۸۲)</p>	<p>مصلحت بعنوان قید متعلق احکام شرعی: فقهای هر دو گروه چنین جایگاهی را برای مصلحت قائلند و در فروع مختلف فقهی بدان اشاره کرده‌اند. مسلماً چنین مصلحتی بدون قید و شرط نیست بلکه باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد این ویژگی‌ها توسط ادله نقلی و عقلی بیان شده و لازم الرعایه هستند.</p>	<p>۵. مصلحت فقهی از دیدگاه تشیع و اهل تسنن</p>		
<p>مصلحت بعنوان دلیل استنباط حکم شرعی که از آن به مصالح مرسله تعبیر</p>				

	<p>می‌شود نزد بسیاری از فقهاء اهل سنت دارای اعتبار است لکن فقهای شیعه چنین مصلحتی را معتبر نمی‌دانند و جایگاهی برای آن در فقه قائل نیستند زیرا معتقدند که مصالح مرسله اگر به دلیل کتاب و سنت و یا دلیل عقل بازگشت نکند جزء مواردی است که تبعیت از آن توسط شارع نهی شده و دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد</p>			
<p>(افتخاری، ۱۳۹۲، ۹۰-۸۵)</p>	<p>اولاً مصالح دنیوی نسبت به مصالح اخروی اولویت ندارند. دوم اینکه در ورای احکام الهی، مصلحتی وجود ندارد و سوم آن که مصلحت در غیاب حکومت دینی و مواجهه با</p>	<p>۱. شیخ کلینی</p>	<p>ه) سیر تطور مفهوم مصلحت در حکمرانی فقه شیعه</p>	

	<p>حکومت ظالمانه، در صورت نافرمانی سیاسی علاوه بر عدم همکاری با چین شیوه‌ای از زامداری گنجانده می‌شود.</p>			
	<p>در صورت وجود «امکان» استفاده از فرصت‌های موجود برای مصلح عالی؛ می‌توان به صورت موقت از این فرصت‌ها استفاده برد.</p>	<p>۲. شیخ صدوق</p>		
	<p>۱. نقد روش‌های فقهی اسنادی (توجه به سلسله اسناد روایات نقل شده از امامان شیعه) ۲. توجه بیشتر به اعتبار و نقش عقل در تعیین مصلح و تصرف جزئی در مقام بیان و التزام به صدور احکام در حدود دایره</p>	<p>۳. شیخ مفید (عقل‌گرایی اسلامی)</p>		

	<p>احادیث. این رویکرد، توسط فقهای بزرگی چون سید مرتضی و شیخ طوسی به کمال خود رسید.</p>			
	<p>ترسیم سه نوع رابطه میان رابطه حکمرانی، مصلحت و مشروعیت: ۱. نظام «ولایت حقه» که مبتنی بر مصالح دین و دنیای مردم بوده و نسبت رابطه با این نظام، «پذیرش» و «همکاری» با آن است. ۲. نظام‌هایی که توجه به مصالح دنیوی مردم دارند ولی بر اصول حقه دینی نیستند. با توجه به بنیاد منفعت‌گرایانه این نظام‌ها، امید به اصلاح آنها و هدایت شان وجود دارد. لذا می‌توان</p>	<p>۴. علامه مجلسی</p>		

	<p>با هدف دعوت و هدایت، با آنان همراهی نمود. ۳. نظام‌هایی که از هر دو دسته مصلحت‌بی‌بهره اند و بنای خویش را بر ظلم و ستم گذارده‌اند. پس باید از ایشان به دور بود.</p>			
	<p>قاعده مصلحت توان آن را دارد تا مبنای صدور حکم شرعی قرار گیرد. لذا با «ما ذون ساختن سلطان از جانب فقیه‌ی که خود نیابت امام معصوم را بر عهده گرفته» به منظور صیانت و تأمین مصالح عامه - به خصوص در شرایط اضطراری - تبعیت از حاکم یاد شده را واجب می‌داند.</p>	<p>۵. کاشف الغطاء</p>		
	<p>استدلال دو مرحله‌ای: ۱. مصلحت</p>	<p>۶. ملا احمد نراقی</p>		

	<p>مقوله‌ای حیاتی است که فقه نمی‌تواند نسبت به آن ساکت و بی تفاوت باشد؛ لذا مصالح مرتبط با حکومت نیز تحت پوشش فقاہت قرار می‌گیرند. ۲. در صورت عدم امکان تأسیس حکومت اسلامی، می‌توان با حکمرانی که از فقیه جامع الشرايط تقليد کرده و حکومتش در مسیر عدالت قرار دارد، در حد مصالح عامه همکاری کرد.</p>			
	<p>نظریه ولایت فقیه مبتنی بر سازگاری فقه جواهری با تحولات در زمان و مکان است. این شیوه از حکمرانی، حاوی مصالح حقیقی هست که</p>	<p>۷. امام خمینی</p>		

	<p>مصلحت دینی و مصلحت عمومی مردم را به صورت توأمان اعمال می‌نماید.</p>			
<p>(الهیان و خادمی، ۱۳۹۱، ۷۰-۶۷)</p>	<p>به شرایط عادی و معمولی زندگی انسان مربوط‌اند و از سوی شارع مقدس به خاطر مصلحتی که در موضوع نهفته است، بدون در نظر گرفتن حالات استثنایی و یا علم و جهل شخص مكلف، وضع شده‌اند. این احکام تغییر ناپذیرند، مگر این که موضوع آنها دگرگون شود.</p>	<p>۱. احکام اولیه</p>	<p>(و رابطه مصلحت و احکام حکمرانی</p>	
<p>(برگرفته از: موسوی و موسوی جوردی، ۱۳۹۹، ۱۰).</p>	<p>موقتی است و تنها تا زمانی که مصلحت، ضرورت آن را ایجاب کند، ادامه دارد و بعد از آن حکم برداشته می‌شود.</p>	<p>۲. احکام ثانویه</p>		

<p>(میرزاده کوهشاهی و فارسی، ۱۳۸۹، ۴)</p>	<p>فرمان‌ها، قوانین و مقرراتی که به عنوان بخشی از شریعت به شمار آمده، پیرو و بسته به مصالح و نیازهای روزند؛ خاستگاه زمانی و مکانی دارند؛ جزئی و مقطعی‌اند؛ ناظر به موارد و شرایط ویژه‌اند و رهبر مشروع جامعه، با توجه به حق رهبری - که از جانب خداوند متعال یا معصومان <small>علیهم‌السلام</small> به وی تفویض گردیده است - با لحاظ مصلحت جامعه و با هدف اداره امور، آن‌ها را وضع می‌کند.</p>	<p>۳. احکام حکومتی</p>		
<p>(قرآن کریم، بقره: ۲۸۶ و طلاق: ۷)</p>	<p>کنش بازیگر در عرصه سیاست خارجی تابعی از توانمندی‌ها، ابزارها و امکاناتی</p>	<p>۱. وسع</p>	<p>ز) قواعد و ضوابط اعمال مصلحت در سیاست خارجی ج.ا.ا.</p>	

	<p>است که در اختیار او قرار دارد. اهداف سیاست خارجی که بیرون از بُرد این تابع باشند، قابل پیگیری نبوده و برای بازیگر تکلیف‌ساز نیستند. از سوی دیگر، هرگونه الزامی که در دامنه تابع مذکور قرار بگیرد، جزئی از وظایف سیاست خارجی به شمار می‌رود و نباید آن را وا نهاد.</p>			
<p>(برگرفته از: مرادی، ۱۳۸۴ و حق‌گویان، ۱۴۰۰)</p>	<p>بر مبنای این رویکرد؛ چنانچه وظایف و کارویژه‌هایی بازیگر را ملزم به پیگیری نوعی از رفتار در نظام بین‌الملل نماید که سبب ایجاد تنگنا، شرایط طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل تصمیم‌گیران و</p>	<p>۲. عسر و حرج</p>		

	<p>اتباع ایشان گردد؛ می‌بایست مورد اجتناب و احتراز قرار گیرند. چه اینکه انتهای مسیر به ضرر عمده و چه بسا جبران ناپذیر جامعه اسلامی ختم خواهد شد.</p>			
<p>(طجری و شریفی، ۱۳۹۴، ۲۵-۲۳).</p>	<p>در هنگام تزاخم و تعارض دو یا چند موضوع واجد اهمیت اعم از سلبی، ایجابی، منفی یا مثبت؛ با بهره‌گیری از ملاک و معیار معتبر؛ سایر موضوعات به نفع اولویت مسئله مهم‌تری که بیشترین حساس‌ترین و اصلی‌ترین منفعت همگانی را در بر می‌گیرد کنار گذاشته می‌شوند. برخی از ملاک‌ها رفع تزاخمت عبارتند از:</p>	<p>۳. اهمّ و مهم</p>		

	<p>۱. گزینه دارای بدیل در برابر گزینه بدون جایگزین؛</p> <p>۲. تحقق منفعت در چالش زمان اندک در برابر منافع دارای زمان کافی؛</p> <p>۳. چالش فوری و اضطراری در برابر چالش غیر فوری؛</p> <p>۴. واجب در حال نابودی و بی‌بازگشت در برابر چالش اضطراری؛</p> <p>۵. ترجیح دادن منافع یا دفع ضرر قطعی و یقینی بر موارد احتمالی و مورد تردید؛</p> <p>۶. حفظ بنیان‌های وجودی در مقابل بذل جان، حیثیت و مال؛</p> <p>۷. حفظ موجودیت (جان اتباع) و حیثیت در ازای چشم‌پوشی</p>			
--	--	--	--	--

	<p>از منافع مادی؛ ۸. دست یازیدن به کنش کم ضرر برای ممانعت از خسارت بزرگ‌تر - دفع افسد به فاسد.</p>			
<p>(عبدالهی علی‌بیک، ۱۳۸۳: ۶۹-۶۳)</p>	<p>زمانی که بازیگر قصد و اراده اقدامی را در حوزه سیاست خارجی دارد اما به دلیل وجود موانع یا تهدیداتی که برآیند کنش را به ضرر وی رقم می‌زنند؛ ناچار خواست خود را تغییر داده و از آن اقدام صرف‌نظر می‌کند (یا) بالعکس در مورد انگیزه اولیه برای عدم انجام یک فعل). کنش کراهت‌آمیز مستلزم یک عامل بیرونی نظیر یک بازیگر چالشگر، محدودیت‌های</p>	<p>۴. اکراه</p>		

	<p>ژئوپلیتیک، تهدیدات وجودی، حیاتی یا اساسی در عرصه امنیتی و... است که متضمن تهدید محتمل و امکان‌پذیر بوده که عملی شدن آن موجب خسارت و زیان برای کنشگر موردنظر شود و همچنین رهایی از تهدید، بدون اقدام به کنش کراهت‌آمیز مقدور نباشد.</p>			
<p>(ملایی، ۱۳۸۷، ۱۹۵-۱۹۴).</p>	<p>در صورت پیشامد شرایط خاص که در اثنای آن کنشگر، بیم وقوع ضرر جدی نسبت به منافع فوری خود را داشته باشد، تصمیم‌گیر می‌تواند بر خلاف جریان عادی هنجارها و بنیان‌های ارزشی رفتار کند تا اوضاع</p>	<p>۵. اضطراب</p>		

	<p>تهدیدآمیز را مهار نموده و حالت اضطرار را برطرف ساخته و به شرایط عادی بازگردد</p>			
<p>(برگرفته از: دیرباز و صادقی، ۱۳۹۰)</p>	<p>به هنگام اعمال فشارهای تجمیع شده و فزاینده علیه مواضع و رفتارهای کنشگر به نحوی که «منافع وجودی» او در معرض خطر قرار بگیرد، این امکان وجود دارد که او نسبت به «کنمان و اخفای زمان‌مند» رویه و انگیزه خویش مبادرت نموده تا پس از منحرف ساختن فشار و تهدیدات بیرونی؛ از شرایط بحران خارج شود.</p>	<p>۶. تقیه</p>		

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳-۵) یافته‌های پژوهش درباره ماهیت و نحوه کاربرد رهیافت مصلحت‌گرایی در

تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱-۳-۵) مدیریت و حکمرانی نظام اسلامی دارای ابعاد متنوع و متعددی است که از

رہیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۹۵

طریق احکام برگرفته از قواعد شرع اعمال می‌گردند ولی به علل و متغیرهای گوناگونی که خارج از کنترل مقامات و تصمیم‌گیران هستند، وقوع تزاخم یا تعارض بین آن وجوه، دور از انتظار نخواهد بود.

۵-۳-۲) گره‌گشایی از تزاخمت و تعارضات در هنگام تصمیم‌گیری برای حوزه سیاست خارجی، به استحکام-انعطاف‌هنجاری و احکام حکمرانی، شدت عقلانیت و فراست در فهم مصلحت و ضوابط آن وابستگی مستقیم دارد.

۵-۳-۳) مصلحت‌گرایی در حکمرانی و تصمیم‌گیری‌های نظام جمهوری اسلامی موضوعی عام و دارای مراتب است که تمام حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. در موارد خاص از جمله در موضوعات سیاست خارجی که انتظام حکمرانی و اجتماع به موارد خاصی مانند بقا، امنیت، معیشت، ارزش‌های وجودی و نظایر اینها وابسته باشد؛ ماهیت رهیافت مصلحت‌گرایی دال بر محوریت ایجاد یک مخرج مشترک مبتنی بر «حداکثر منفعت برای بیشترین اقشار» و تمرکز بر اصل «حفظ نظام» اعم از هنجارها، سامان سیاسی-اجتماعی و سازوکارهای اداره جامعه، خواهد بود.

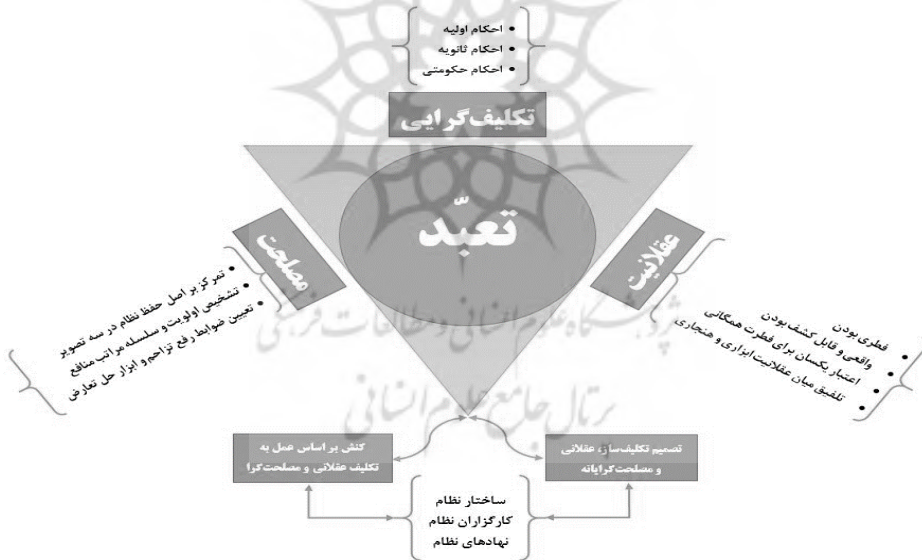
۵-۳-۴) کشف یا ساخت مصلحت در تصمیم‌گیری مصلحت‌گرایانه، بر اساس عقلانیت رقم می‌خورد. از این حیث، رویکرد مصلحت‌گرایی منطبق با الگوی انتخاب منطقی در مدل‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی است. از سوی دیگر و همان‌طور که گذشت، عقلانیت مصلحت‌خواهانه با تکلیف‌گرایی، رابطه لازم و ملزوم دارند. از این رو مصلحتی که بر اساس عقلانیت توأمان هنجاری-ابزاری، به گزینه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری منجر شود، برای تصمیم‌گیران زمامدار تکلیف‌آور است؛ بنابراین نمی‌توان و نباید آن را ترک کرد.

۵-۳-۵) تکلیف حاصل از تصمیم‌گیری عقلانی و مصلحت‌خواهانه که بر اساس «ممانعت از خسارت و سپس جلب منفعت»، زمامداران و مقامات حاضر در ساختار بروکراتیک را به پیگیری شیوه‌ها و شگردهای خاصی مقید می‌کند، در پی آن است تا نتیجه برآمده از تصمیمات-اقدامات به «بهینه‌سازی عقلانیت و بهینه‌سازی منفعت» ختم شود. از این رو، گزینه تصمیم‌گیری مصلحت‌گرایانه - چه در شرایط عادی و چه در اضطرار-

بهترین بدیل موجود است که در ضمن، قابلیت تحقق نیز باید داشته باشد؛ پس اگر گزینه‌ای خارج از دسترس یا غیرقابل تحقق باشد، از فهرست گزینه‌های تصمیم‌گیری خارج خواهد شد.

۵-۳-۶) رویکرد مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی این امکان را برای کارگزاران پدید می‌آورد که با حفظ ابهام راهبردی برای سایر بازیگران؛ شفافیت در انتخاب گزینه برای حلقه تصمیم‌گیران را تسهیل سازد، چه اینکه مصلحت‌گرایی قادر است با راه‌گشایی از میان موانع و انطباق با شرایط، «گزینه بی‌بدیل» برای تصمیم‌گیران را بسازد و از انفعال (بی‌تصمیمی)، افزایش خسارت (بدتصمیمی) یا تلف شدن منفعت (دیرتصمیمی)، جلوگیری کند.

نموار ۱: هسته، ارکان و اجرای رهیافت تصمیم‌گیری مصلحت‌گرایانه
بر مبنای نظریه اسلامی سیاست خارجی ج. ۱.۱



(منبع: یافته‌های پژوهش)

۶. رهیافت مصلحت‌گرایی و تصمیم‌گیری برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸

۶-۱) مرور نقاط عطف سیاسی و نظامی در سال‌های منتهی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸
جنگ هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷)، فرازونشیب‌های متعدد و چندلایه‌ای داشته است. از این رو و فرایند تصمیم‌گیری به منظور اتمام این نبرد طولانی نیز متضمن مطالعه و تحلیل ابعاد متنوعی خواهد بود. پس از فتح خرمشهر توسط ایران در خردادماه سال ۱۳۶۱، دو راهبرد کلی برای تداوم و پایان رضایت‌بخش جنگ برای ایران در میان تصمیم‌گیران به چشم می‌خورد:

راهبرد اول با اهداف حداکثری و با شعارهایی نظیر «جنگ جنگ تا پیروزی»^۱ طراحی شد. بر این اساس هدف جنگ، دفع و رفع تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق محو منشأ تهدید صورت می‌پذیرفت. در این راستا، نقطه مطلوب برای پایان جنگ جایی بود که حکومت بعث به رهبری صدام حسین در عراق ساقط می‌شد (امام‌خمینی، ۱۳۶۳).

راهبرد دوم نیز حداقلی بوده و با تابلوی «جنگ جنگ تا یک پیروزی مهم» معرفی می‌گردد. در چارچوب این نگرش، جمهوری اسلامی ایران نیاز داشت تا با کسب یک موفقیت تعیین‌کننده در عرصه نظامی، به موقعیت برتر در جنگ نائل شده و سپس اهداف خود را در مسیر سیاسی پیگیری، تثبیت و محقق کند (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۴). در راهبرد اخیر، مسیر اتمام جنگ کوتاه‌تر شده و با تلفیق عناصر میدان و دیپلماسی، بیشتر عملگرایانه و کمتر ایدئولوژیک می‌نمود لیکن بطور ذاتی، تناقض یا تعارضی با راهبرد حداکثری نمی‌داشت.

در کشاکش نبرد نظامی ضمن قضیه مک‌فارلین یا پرونده ایران-کنترا، نیازهای تسلیحاتی

۱. در طول تحقیق، منابع و اقوالی مشاهده شده که استراتژی مزبور را به صورت «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» منعکس ساخته‌اند. از آنجا که تدقیق در معنای هر یک از این مفاهیم، می‌تواند مجادله آفرین باشد و مسیر پژوهش را طولانی‌سازد، در رساله حاضر به عبارت مطروحه در متن بسنده شده است. به عنوان نمونه یکی از مباحثات و مجادلات در این زمینه بنگرید به: صادقی، رضا، درنگی در انتساب راهبرد "جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم" به امام خمینی(ع)، ۱۳۹۸/۰۹/۱۹. قابل دسترسی در نشانی: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n149102>

ایران برای حضور مقتدرانه در عرصه میدانی جنگ محملی شد تا یک کانال ارتباطی مخفی بین آمریکا و ایران ایجاد شود. عامل زمینه‌ساز دیگر نیز، ربایش تعدادی از شهروندان آمریکا در لبنان توسط جریان‌های ضداسرائیلی و تلاش دولت ریگان برای آزادسازی آنان بود. اتصال این دو عامل به یکدیگر، پایه‌ای را برای تعامل محدود، غیررسمی و پنهان بین ایران و آمریکا پدید آورد. ماجرای تعامل برای فروش تسلیحات و تسهیل آزادی گروگان‌ها بین ایران و آمریکا از شهریورماه ۱۳۶۴ آغاز گردید؛ گروه مک فارلین در سفری بدون دستاورد در خرداد ۱۳۶۵ به طور مخفیانه به ایران آمد ولی بدون مذاکره با مقامات رسمی و ارشد، کشور را ترک نمود. پس از بن بست در فعالیت گروه مک فارلین؛ خط تماس جایگزین تا مهرماه ۱۳۶۵؛ تعامل دوجانبه را ادامه می‌دهد تا اینکه نهایتاً با درز اطلاعات ماجرای مک فارلین به یک نشریه لبنانی پرونده دیپلماسی پنهان آمریکا در قبال ایران متوقف می‌شود. (محسن هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹).

در بازه زمانی یاد شده، تحول بسیار مهمی به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورد که موازنه میدانی را به سود ایران تغییر داد. با انجام عملیات والفجر ۸ که از ۲۰ بهمن ماه سال ۱۳۶۴ آغاز و تا انتهای فروردین سال ۱۳۶۵ ادامه پیدا کرد، بندر فاو واقع در جنوب عراق به تصرف ایران درآمد که می‌توانست آغازی بر پایان جنگ نظامی و ورود به فرایند چانه زنی سیاسی بر مبنای راهبرد «جنگ جنگ تا یک پیروزی مهم» باشد.

شاید بتوان تأثیر کانال تعامل پنهان را در حوزه میدانی جنگ ناچیز دانست، لیکن اثرات آن بر فضای سیاسی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌تواند مهم جلوه‌گر شود. اگر ادعاها در مورد آمادگی آمریکا برای برقراری یک صلح شرافتمندانه - که در ضمن مذاکرات کانال دوم و جایگزین مطرح شده بود - مقرون به صحت ارزیابی کنیم (علی هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷)؛ آنگاه واکنش‌های تقابلی آمریکا در برابر پیشرفت‌های میدانی ایران پس از شکست خوردن اقدامات کانال‌های ۱ و ۲ تعامل پنهان، تا حدودی قابل درک خواهد بود. واکنش‌هایی نظیر حضور نظامی در خلیج فارس، اسکورت کشتی‌ها در جنگ نفتکش‌ها، تلاش برای تحریم تسلیحاتی ایران، سکوت در برابر استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی و اسقاط هواپیمای مسافربری ایران که بر فضاسازی ذهنی و روانی دست

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۹۹

اندرکاران جنگ در ایران طی فاصله صدور تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (تیرماه ۱۳۶۶ تا ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷) موثر محسوب می‌گردد.

در بازه زمانی افشای پرونده مک‌فارلین با پیشدستی ایران در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ تا صدور قطعنامه ۵۹۸؛ حادثه تعیین‌کننده دیگری در جنگ ایران و عراق به وقوع پیوست و آن عملیات کربلای ۵ بود. در این رخداد، ایران توانست بر منطقه شلمچه مسلط شده و برتری میدانی قابل توجهی را به دست آورد (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۳) از این پس توازن جنگ به سود جمهوری اسلامی بر هم خورده و بازیگران بین‌المللی برای توقف جنگ و همچنین پیشروی‌های نظامی ایران وارد عمل شدند.

پیش از این و در ۵ اسفندماه ۱۳۶۴ (در اثنای عملیات والفجر ۸ و تصرف بندر فاو توسط ایران) قطعنامه ۵۸۲ سازمان ملل متحد صادر گردیده بود که بر اساس مفاد آن و در رویکردی تازه نسبت به اقدامات قبلی، از طرفین جنگ می‌خواست که ضمن توقف درگیری‌ها، نیروهای نظامی خود را تا مرزهای بین‌المللی دو کشور عقب بکشند (UN Security Council, 1986). این امر می‌توانست به معنای غیرقابل قبول بودن تصرف زمین از راه توسل به زور و به نفع ایران تفسیر شود لیکن هیچ کدام از ملاحظات راهبردی ایران از قبیل تعیین و محکومیت متجاوز و نیز پرداخت خسارت توسط وی مطرح نشده و از این حیث چنین قطعنامه‌ای برای جمهوری اسلامی قابل پذیرش نبود.

در انتهای تیرماه ۱۳۶۶، نسخه اولیه قطعنامه موسوم به ۵۹۸ صادر شد. همانطور که عراق از قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸ استقبال و ایران آنها را رد کرده بود، در مورد قطعنامه ۵۹۸ نیز همین رویکرد از جانب دو طرف دنبال شد. پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ گرچه ایران آن را مانند قطعنامه‌های قبلی به طور کامل رد نکرد، اما شرایطی برای پذیرش آن تعیین کرد که در واقع به معنی عدم پذیرش آن بود. از جمله دلایلی که تصمیم‌گیران ایران را در بدو صدور قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ برای پذیرش آن اقتناع نگردانید، مسئله عدم تعیین متجاوز و آغازگر جنگ بود. همچنین عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در کنار رد کردن قطعنامه پیشین توسط ایران، فرصتی را برای عراق و همین‌طور بازیگرانی که مترصد خاتمه جنگ و ممانعت از تبدیل پیروزی نظامی ایران به برتری سیاسی بودند فراهم می‌آورد تا جمهوری اسلامی را

به ادامه جنگ و خونریزی با انگیزه توسعه طلبی متهم سازند و به بیان دیگر با تحریف منطق سیاست دفاعی ایران، چهره یک مهاجم را تصویر نمایند (لاریجانی، ۱۳۹۳). بر اساس زمینه‌های مشهود آغاز جنگ تحمیلی، یکی دیگر از عواملی که موجب توقف تصمیم‌گیران ارشد ایران برای قبول قطعنامه ۵۹۸ در همان ابتدای صدور آن می‌شد، وضعیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود که توسط عراق کاملاً نفی می‌شد. در یکی از اسناد منتشره با عنوان «پاسخ دفتر نمایندگی دائم ایران نزد دفتر ملل متحد در ژنو»؛ در جواب یک سلسله از سؤالات پیرامون دیدگاه‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران پیرامون خاتمه جنگ، کوشش شده است تا ضمن تشریح دلایل رد قطعنامه‌های قبل از ۵۹۸، علت تأخیر در قبول این قطعنامه نیز پاسخ داده شود. دقت در مفاد این سند، نشانگر آن است که پافشاری به مفاد و احیای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر یکی از اهداف اصلی ایران برای اتمام جنگ بوده است (آرشیو ملی ایران، ۱۴۰۰، ۱۰۰).

جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت تا از طریق ایجاد نوعی تعلیق در پذیرش و اجرای قطعنامه، از کانال تعامل با دبیرکل سازمان ملل متحد، ملاحظات خود را در قطعنامه بگنجانند (خرازی، ۱۳۹۰). ملاحظات و اولویت‌هایی مانند شناسایی آغازگر جنگ، خسارت‌های ناشی درگیری‌ها، تغییر در تقدم و چینش بندهای قطعنامه (ناصری، ۱۳۹۵) و خروج نیروهای خارجی از خلیج فارس (ظریف، ۱۳۹۳) بخشی از این فرایند بودند که در این میان معرفی طرف شروع‌کننده نبرد بیش از سایر عوامل اهمیت پیدا می‌کرد (قریشی، ۱۳۹۷، ۶۳-۶۴)؛ زیرا می‌توانست پایه استدلالی محکمی را برای پیگیری برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در فاز سیاسی-دیپلماسی (مذاکرات) فراهم بیاورد. به نظر می‌رسد که ایران سعی داشته با ترفند طرف قرار دادن دبیرکل سازمان ملل متحد در مذاکره با طرح لزوم یک برنامه اجرایی برای قطعنامه ۵۹۸، این کار را انجام و حالت تعلیق در پذیرش کامل قطعنامه را در عین حفظ مواضع کسب شده در میدان جنگ (بندر فاو و شرق بصره) تا هنگام بهبود شرایط قطعنامه ۵۹۸ و نزدیک کردن اولویت‌های خود به واقعیت سیاسی ادامه دهد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۹، ۳۱۷ و ۳۹۳).

به موازات درگیری‌های نظامی ایران در جبهه غربی با عراق و همچنین در خلیج فارس در

قالب جنگ نفتکش‌ها، منازعه سیاسی بر سر وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز جریان داشت. کاهش قیمت نفت و تهدید به تحریم تسلیحاتی جزئی از ابزارها برای نیل به چنین مقصودی به شمار می‌رفت. در سال ۱۳۶۶، با افزایش تولید عربستان سعودی به عنوان متحد غیررسمی عراق، قیمت نفت به شدت افت کرده و حتی در مقطعی به بشکه‌ای ۵ دلار رسید که عملاً ادامه جنگ را برای اقتصاد ایران غیرممکن می‌کرد (باستانی، ۱۳۹۶). با حمله‌های گسترده دو طرف منازعه به نفت‌کش‌ها، امنیت صدور نفت منطقه به خطر افتاده بود، از همین رو بر خلاف سال‌های آغازین جنگ، در این مقطع منافع سایر بازیگران نیز تهدید می‌شد. بر خلاف بی‌تفاوتی‌های نیمه نخست جنگ، فشار همه‌جانبه به ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت وارد شد (شمس، ۱۳۸۷) تا جایی که به نقل از محمدجواد لاریجانی، از اعضای گروه مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران درباره قطعنامه ۵۹۸، «تحت فشار آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل متحد به ایران اخطار کرد که اگر موضع خود را نسبت به قطعنامه ۵۹۸ روشن نکند، قطعنامه جدیدی صادر خواهد شد که ایران را تحت فشار می‌گذارد.» (مؤمن زاده، ۱۳۸۶، ۳۶)

در چهارچوب دیپلماسی تأخیری ایران و تاکتیک بازی با طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل در جهت تعلیق در پذیرش قطعنامه ۵۹۸؛ استفاده از کارت شوروی برای خرید زمان تاکتیکی ایران میسر بود، زیرا این کشور حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را در راستای راهبرد «سد نفوذ» در برابر خود ارزیابی می‌کرد و اصرار بر تحریم تسلیحاتی ایران برای برقراری آتش بس و پایان جنگ را در همین زمینه قلمداد می‌نمود. در نهایت زمانی که ایران مطلع شد شوروی رویکرد خود در مخالفت با تحریم ایران را به رأی مثبت در قبال یک قطعنامه قریب‌الصدور تغییر داده است، با ارسال نامه‌ای خطاب دبیرکل - باز هم به ترتیبی که پذیرش قطعنامه در هاله‌ای از ابهام باقی بماند - بازی با کارت «طرح اجرایی قطعنامه ۵۹۸» را به پایان برد و آن را تأیید نمود (ایرنا، ۱۳۹۳).

در انتهای اسفندماه ۱۳۶۶ و پس از یک سلسله عملیات در جبهه غربی و تصرفات حاصل از عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران، عراق نیز در ابتدای فروردین سال ۱۳۶۷، با استفاده گسترده از سلاح شیمیایی در جبهه غرب به نیروهای ایران حمله کرد و در انتهای

فروردین نیز با استعداد گسترده ای از نیرو به بندر فاو تهاجم نمود و با پس زدن خط پدافندی ایران، بر این بندر - که برگ برنده ایران در طول جنگ محسوب می شد - مسلط گردید. در همین مقطع زمانی نیروی دریایی ایالات متحده به بهانه برخورد یک مین دریایی با ناوچه ساموئل رابرتز، به سکوه‌های نفتی سلمان و نصر هجوم سنگینی برده و در مقابله دریایی، دو شناور نظامی جوشن و سهند را غرق و آسیب جدی به ناوچه سبلان وارد کرد.

در اوایل خردادماه ۱۳۶۷، عراق عملیاتی را برای تصرف شلمچه آغاز کرده و در نهایت موفق شد که ایران را در این جبهه عقب بزند. پاتک ایران برای بازپس گیری شلمچه نیز راه به جایی نبرد. در انتهای همین ماه سازمان مجاهدین خلق که با حمایت صدام در عراق مستقر شده بود، عملیاتی به نام فروغ جاویدان را در منطقه مهران به اجرا گذاشت که علی رغم عرض اندام اولیه، با حضور نیروهای ایران شکست خورد. در فقدان عملیات‌هایی نظیر بیت المقدس، خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵ و عدم دسترسی مناسب ایران به امکانات و تسلیحات در مقیاسی مشابه با حریف و همچنین تنگناهای ناشی از کاهش درآمدهای نفتی، عراق که موفق شده بود ماشین جنگی خود را به خوبی بازسازی نماید، بالاخره در روزهای آغازین تیرماه ۱۳۶۷ به جزایر مجنون نیز حمله کرد و آخرین مجموعه از تصرفات ایران در طول جنگ تحمیلی را در اختیار گرفت (قرهی، ۱۳۹۸). می توان این گونه برداشت کرد که از همین نقطه، جای دو کشور در صحنه میدانی تعویض شده و عراق در جهت کسب موقعیت برتر به حرکت درآمد. در ۱۲ تیرماه سال ۱۳۶۷ نیز یکی از تلخ ترین حوادث جنگ تحمیلی علیه ایران به وقوع پیوست و هواپیمای مسافبری شرکت ایران ایر که به مقصد دوی در پرواز بود، توسط ناو آمریکایی وینسس بر فراز خلیج فارس هدف موشک قرار گرفته و با ۲۹۰ نفر سرنشین ساقط گردید (جهانفر، ۱۳۹۵).

پس از وقوع زنجیره وقایع بالا، سران قوای سه گانه به همراه حاج احمدآقا (فرزند امام) در جلسه‌ای محدود با امام خمینی (مجموعاً پنج نفر) مسائل اخیر و شرایط جنگ را مطرح و مصلحت را در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می بینند (علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۱). از آنجا که پیش از آن، طی نامه‌هایی از جانب دولت و فرماندهی نظامی جمع بندی ملزومات و نیازمندی‌ها برای ادامه و پیروزی در جنگ به امام خمینی منعکس شده بود، در نهایت ایشان

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۱۰۳

به عنوان تصمیم‌گیر نهایی، قبول قطعنامه ۵۹۸ را تأیید نمودند (علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، پذیرش قطعنامه از سوی امام به روایت آیت‌الله هاشمی، ۱۳۹۹) و ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، به طور رسمی پذیرش قطعنامه را به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد و دو روز بعد نیز امام خمینی در ضمن پیام به مناسبت حادثه کشتار حاجیان در سال ۱۳۶۶، برخی از ابعاد تصمیم به قبول قطعنامه را به مثابه نوشیدن جام زهر برشمردند (روح‌الله خمینی، ۱۳۸۵، ۹۶-۹۲).

۶-۲) زمینه‌های بسترساز برای اتخاذ تصمیم پذیرش قطعنامه ۵۹۸

با توجه به شرح موارد بالا، زمینه‌هایی که موجب تصمیم برای پذیرش نهایی قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران گردید، در گروه‌های چهارگانه زیر قابل دسته‌بندی هستند:

۶-۲-۱) عوامل میدانی و نظامی شامل دخالت مستقیم ایالات متحده در مقاطع پایانی جنگ به ویژه حضور پررنگ در خلیج فارس، از دست دادن تصرفات ایران در بندر فاو و منطقه شلمچه در شرق بصره، عدم دسترسی به تسلیحات توازن‌بخش در برابر ماشین جنگی عراق، به کارگیری سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایران در جبهه‌های مختلف، بدبینی مسئولان نظامی و سیاسی برای به دست آوردن تصرفات جدید در کوتاه مدت و میان مدت بر اساس امکانات موجود و پشتیبانی ناکافی، عدم تحقق شرایط لازم در جهت کسب پیروزی بر مبنای راهبرد حداکثری (سقوط صدام)؛

۶-۲-۲) در سطح منطقه ای، با فرض خوشبینانه نیل به پیروزی حداکثری و فتح بغداد در بازه زمانی میان مدت، نظام جمهوری اسلامی در برابر یک ائتلاف منطقه‌ای متشکل از اکثریت کشورهای عربی تحت حمایت بلوک آمریکا و خطر رویارویی مستقیم با رژیم صهیونیستی در شرایط فرسودگی اقتصادی و نظامی قرار می‌گرفت که حتی مخاطره براندازی نظام سیاسی آسیب دیده از یک جنگ هشت‌ساله را متصور می‌ساخت که مختصات موازنه قوا بین آن و سایر طرف‌ها - همان‌گونه که رخدادهای سه ماه پایانی جنگ نشان داد - به ضرر ایران ارزیابی می‌شد؛

۶-۲-۳) کاهش سرمایه اجتماعی برای تداوم جنگی بدون چشم انداز امیدوارکننده برای

کسب یک پیروزی چشمگیر به همراه افزایش آسیب پذیری‌ها در دو گانه «امنیت - معیشت» از ناحیه مشکلات ناشی از تنگناهای اقتصاد نفتی ایران؛

۶-۲-۴) احتمال تزلزل جدی در نظام سیاسی و ارکان آن در پس از حیات امام خمینی با وجود پرونده‌های حساسی مانند نارسایی در سازوکارهای اداره کشور و لزوم تجدیدنظر در قانون اساسی، مسئله قائم مقام رهبری و آیت الله منتظری پس از رخداد برخورد با گروه مهدی هاشمی و از همه مهمتر چگونگی پایان دادن مناسب به جنگ در برابر عراق.

۳-۶) تجزیه و تحلیل اتخاذ تصمیم برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر اساس رهیافت مصلحت‌گرایی

دوره تثبیت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، مصادف با جنگ هشت ساله همسایه غربی علیه ایران بود. نتیجه و نحوه پایان این نبرد فرسایشی این توان را داشت تا استمرار یا افول نظام سیاسی برآمده از یک انقلاب هویت پایه را تعیین کند. براساس رهیافت مصلحت‌گرایی، زمامداران کشور به ویژه امام خمینی که به عنوان رهبر انقلاب و نظام سیاسی، عهده‌دار تصمیم‌گیری برای اتمام جنگ بودند، علاوه بر تحولات میدانی می‌بایست تصویر کلان از بقای حرکت انقلاب و دوام جمهوری اسلامی را در تصمیم‌گیری خویش لحاظ می‌کردند. از طرف دیگر، ویژگی‌های شخصیتی کارگزاران ارشد خصوصاً خصلت کاریزماتیک و رویکرد پررنگ فقهی امام خمینی در پیشبرد مسئله دفاع از کشور، تا حد بسیار زیادی بر همه نهادهای نظام و کارکردهای آنان تفوق یافته بودند.

نسخه ابتدایی قطعنامه ۵۹۸ (تیرماه ۱۳۶۶) در شرایط و به ترتیبی صادر شده بود که هنوز با خواسته‌های ایران درباره «پایان مناسب» جنگ فاصله داشت. منظور از پایان مناسب می‌توانست اهدافی نظیر موارد ذیل باشد:

حفظ تمامیت ارضی؛ اطمینان از برقراری یک معاهده قابل تکیه و روشن برای همسایگی با عراق در حالی که مشخص نبود در صورت ادامه حکومت صدام، تا چه میزان وی به ترک مخاصمه و صلح پایبند باشد؛ تجلی استقلال سیاسی در نظام بین الملل دوقطبی و پس از یک دوره انزوا به واسطه تنش با ایالات متحده آمریکا و شکاف عمیق ایدئولوژیک

با اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان دو ابرقدرت؛ تداوم نظام سیاسی-دینی جمهوری اسلامی ایران و افزایش جذابیت آن برای سایر ملل و جوامع ضدسلطه.

در شرایطی که یک سال پایانی جنگ، با حضور فعالانه آمریکا در خلیج فارس، از دست رفتن تدریجی تمامی تصرفات میدانی ایران و افت توان بازسازی عقبه و خطوط رزمی و همچنین افزایش فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای همراه بود؛ حال دیگر نه راهبرد حداکثری (جنگ جنگ تا پیروزی یا رفع فتنه و سرنگونی صدام) مقدور بود و نه ابزار چندانی برای پیگیری مؤثر راهبرد حداکثری (جنگ جنگ تا یک پیروزی مهم و چانه‌زنی دیپلماتیک برای تثبیت دستاوردها) در اختیار جمهوری اسلامی قرار داشت و ضمناً شواهد میدانی حاکی از برگشتن ورق نبرد نظامی به ضرر ایران بود که تکرار تجاوز و بازگشت به وضعیت نامطلوب سال‌های آغازین جنگ را محتمل می‌ساخت. به این ترتیب، رهیافت مصلحت‌گرایی با محوریت تکلیف «حفظ نظام»، هنجارها مستقر و نهادهای نوپای حکمرانی به ویژه ولایت فقیه، متوازن ساختن خواسته‌ها با داشته‌ها و نهایتاً حفظ سازوکارها در نظام پسااسلامتی، از میان گزینه‌های «ادامه جنگ با نتیجه مبهم در کوتاه مدت و بلندمدت و مخاطرات پیش روی بقای نظام سیاسی» و «پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با نتیجه حفظ تمامیت ارضی، بقای نظام سیاسی، دفع متجاوز، استمرار استقلال سیاسی، الهام بخشی شعارها و آموزه‌های نبرد هشت ساله برای سایرین، تثبیت توازن قوا در منطقه و...» مبتنی بر عقلانیت هنجاری-ابزاری با نظر گرفتن زمینه و عوامل مؤثر چهارگانه و اعمال ضوابطی همچون اهمّ و مهم، وسع، اکراه، عسر و حرج؛ مصلحت را در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دیده و این تصمیم راهبردی را اتخاذ و اجرا کرد.

۷. نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری یکی از ارکان اصلی در مدیریت سیاست خارجی هر بازیگر ملی از جمله جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. بازیگران مختلف به دلیل وضعیت متفاوت خود در عرصه‌های برداشت ذهنی و عمل عینی، ممکن است در شرایط یکسان، تصمیمات غیرمشابه اتخاذ کنند که این امر به ساختار، هنجار، کارگزار و ابزارهای هر یک از آنان در حوزه تصمیم‌گیری بستگی دارد. بازیگران نظام بین‌الملل ناگزیر از اتخاذ تصمیم و انتخاب

الگو(ها)یی برای صورت بندی آن در حوزه سیاست خارجی خود به منظور تعاملات خصمانه یا دوستانه با یکدیگر هستند. در این چهارچوب، هر سیاست خارجی معطوف به یک نقطه یا مجموعه ای از نقاطی است که آن در کانون تصمیمات و اقدامات خود قرار داده و رهیافت‌هایی برای اجرا و تحقق اهداف سیاست خارجی خویش را شکل می‌دهند.

نتیجه پژوهش انجام یافته پس از بررسی انواع سطوح، متغیرهای مؤثر و الگوهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی و همچنین تحلیل ماهیت، نقش و کارکرد عنصر راهبردی مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از این قرار است که:

- نقطه کانونی در حوزه یادشده بر مفهوم «حفظ نظام» اعم از مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای سازنده هویت برای نظام سیاسی، سازوکارهای منبعث از منظومه هنجاری و همچنین انتظام در امور مربوط جامعه پی‌ریزی شده و یک مأموریت یا تکلیف را برای کارگزاران و نهادهای جمهوری اسلامی ایران تعریف نموده است. حفظ نظام اسلامی زمینه‌ای لازم و بستری ضروری است برای «تعهد» به عنوان هدف اصلی مکتب اسلام و اجرای احکام عبادی آن.

- سازوکار ایفای این تکلیف از مجرای عقلانیتی عبور می‌کند که ریشه در منظومه هنجاری اسلامی و احکام آن دارد و معطوف به برآوردن بیشترین منفعت در ابعاد مادی و معنوی / دنیوی و اخروی برای عموم آحاد جامعه به عنوان ذی‌نفعان این فرایند است.

- در شرایطی که روند تصمیم‌گیری کارگزاران جمهوری اسلامی دچار موانع، تراحم، تعارض و چالش‌های دشوار در پیگیری اهداف خود شود؛ عامل مصلحت با تدارک چهارچوبی از ضوابط عقلانی - که از جانب شرع نیز معتبر تلقی می‌شوند - به کار بست الگوی انتخاب منطقی به وسیله گروهی از متخصصین در زمینه موضوعات چالش‌ساز کمک می‌کند تا تصمیم‌گیران ارشد در رأس حاکمیت به بهترین گزینه‌های موجود و قابل اجرا دسترسی پیدا کرده و از رهاورد انتخاب و اتخاذ تصمیمات مصلحت‌گرایانه، تراحمات برطرف و چالش‌ها را مهار نموده و در نهایت تکالیف ناشی از اصل «حفظ نظام» به منظور دفع ضرر و پیشینه‌سازی منفعت در حوزه سیاست خارجی محقق شود.

- در انتهای تیرماه سال ۱۳۶۷ شرایطی که راهبردهای متصور ایران برای ادامه نبرد در

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۱۰۷

حوزه میدانی جنگ هشت ساله، فاقد مطلوبیت پیشین (قبل از انتهای فروردین ۱۳۶۷) بود، مجموعه‌ای از عوامل بین‌المللی، منطقه‌ای، داخلی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و راهبردی در کنار هم قرار گرفته و تصمیم‌گیران ارشد جمهوری اسلامی با لحاظ چشم‌انداز مبهم ادامه جنگ، به این نتیجه رسیدند که با توجه به داشته‌های موجود و خواسته‌هایی همچون حفظ تمامیت ارضی، اعاده اعتبار قرارداد الجزایر برای میناگذاری مناسبات آتی و حسن همجواری، شناسایی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ و الزامات حقوقی-سیاسی آن، تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران در قامت دستاورد انقلاب اسلامی و... علی‌رغم مواضع اعلامی و سیاست‌های اعمالی قبلی، مصلحت‌پذیرش قطعنامه ۵۹۸ متضمن دستاوردهای دفاعی، سیاسی، بین‌المللی بهتر و بیشتر از گزینه «ادامه جنگ» می‌تواند به هدف «حفظ نظام» و دستیابی به منافع حاصل از تداوم بقای جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی یاری برساند.

کتابنامه

آرشیو ملی ایران (۱۴۰۰). «اسناد قطعنامه؛ اسناد منتشر نشده از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ»، سندنامه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۹). معانی الاخبار، ترجمه حمیدرضا شیخی. تهران: ارمغان طوبی و فکرآوران.

افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). «تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه»، سیاست متعالیه، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۲، ص ۷۹-۹۶.

_____ (۱۳۹۰ الف). مصلحت. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

_____ (۱۳۹۰ ب). مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

_____ (۱۳۸۵). «معنا و مقام مصلحت در اندیشه سیاسی ایرانی»، دانش سیاسی، س ۲، ش ۳، ص ۷-۳۸.

الهیان، مجتبی و مریم خادمی (۱۳۹۱). «واکاوی نسبت احکام و عناوین ثانویه با احکام و عناوین اولیه در فقه»، پژوهش‌های فقهی، س ۸، ش ۲، ص ۵۹-۹۵، شناسه دیجیتال: ۱۰/۲۲۰۵۹/۲۰۱۲/۳۵۵۵۵jorr.

باستانی، حسین (۱۳۹۶). «وقتی ایران اعلام کرد هرگز قطعنامه ۵۹۸ را قبول نخواهد کرد»، بی‌بی‌سی، دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/iran-features-40663782>.

- بهرام طجری، علی و احمدحسین شریفی (۱۳۹۴). «نقش قاعده اهم و مهم در حل نزاحات اخلاق امنیتی»، معرفت اخلاقی، س ۶، ش ۱۸، ص ۲۱-۴۲.
- پورتال امام خمینی (۱۳۹۹). «پذیرش قطعنامه از سوی امام به روایت آیت الله هاشمی»، پورتال امام خمینی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۳). «فرآیند مشروعیت یابی در نظام جمهوری اسلامی»، مطالعات راهبردی، س ۷، ش ۲۶، ص ۷۱۹-۷۴۶.
- تاریخ ایرانی (۱۳۹۹). «بازخوانی ماجرای مک فارلین: پشت پرده یک معامله محرمانه»، تاریخ ایرانی، دسترسی در: <http://tarikhirani.ir/fa/news/5662>
- جمالزاده، ناصر و مجتبی باباخانی (۱۳۹۶). «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ع)»، دانش سیاسی، س ۱۳، ش ۲۵، ص ۵-۳۹.
- جهانفر، رضا (۱۳۹۵). «مروری بر عملکرد پدافند هوایی وینسنس در حمله به ایرباس ایرانی»، ماهنامه صنایع هوافضا، ش ۱۱۷، ۱۳۹۵، ص ۲۰-۲۷.
- حسینی، سیدعلی (۱۳۸۱). «سیر تطور مصلحت در فقه شیعه (۱)»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۷۸-۱۰۷.
- (۱۳۸۰). «نظریه مصلحت از دیدگاه امام خمینی (ع)»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، س ۲، ش ۵، ۱۳۸۰، ص ۸۸-۱۰۳.
- حقوقیان، علیرضا (۱۴۰۰). «بررسی دفاع مشروع به عنوان یکی از مصادیق قاعده نفی عسر و حرج»، مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، س ۳، ش ۷، ۱۴۰۰، ص ۱۳۱-۱۵۴.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۳). «نگاهی تازه به ابعاد و فرآیند پذیرش قطعنامه ۵۹۸»، ایرنا، دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/81243329>. ۲۰۲۳ خرداد ۱۶
- خبرگزاری دفاع مقدس (۱۳۹۴). «تحلیلی بر تک ارتش عراق به بندر فاو در سال پایانی جنگ»، خبرگزاری دفاع مقدس، دسترسی در: <https://defapress.ir/fa/news61435>
- خبرگزاری کتاب ایران (۱۳۹۳). «کاوش در خاطرات مطرح‌ترین سیاستمداران ایرانی درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ | ایبنا»، ایبنا، دسترسی در: <https://www.ibna.ir/fa/report/203449/598>
- خرازی، سیدصادق (۱۳۹۰). «روایت روند پذیرش قطعنامه ۵۹۸»، پنجره.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). «نظریه اسلامی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، روابط خارجی، س ۳، ش ۹، ص ۷-۴۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و وحید نوری (۱۳۹۱). «امنیت هستی شناختی در سیاست خارجی دوران اصول گرایی»، مطالعات راهبردی، س ۱۵، ش ۵۷، ص ۱۴۹-۱۸۰.
- دیرباز، عسکر و مسعود صادقی (۱۳۹۰). «سیاست خارجی دولت دینی با تأکید بر مفاهیم تقیه و

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۱۰۹

انتظار»، مشرق موعود، س ۵، ش ۱۷، ص ۸۱-۹۶.

رهبر، مهدی (۱۳۸۲). «مقایسه جایگاه مصلحت در فقه امامیه و اهل سنت»، دین و ارتباطات، س ۹، ش ۱۷، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷-۱۵۸.

سلیمانی، غلامعلی و سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۳). «ابعاد معنایی و نهادی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش سیاست‌نظری، س ۱۰، ش ۱۶، ۱۳۹۳، ص ۷۱-۱۰۰.

سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۹). «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه»، مطالعات راهبردی، س ۱۳، ش ۵۰، ص ۸۵-۱۱۸.

شمس، مرتضی (۱۳۸۷). «چالش نفت در جنگ تحمیلی»، زمانه.

صابریان، علیرضا (۱۳۸۸). «مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی»، آموزه‌های فقه مدنی، س ۲، ش ۲، ص ۷۳-۱۰۶.

طاهری، محمدعلی و احمد خسروی (۱۳۹۱). «مبانی فقهی مصلحت و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوقی دولت اسلامی، س ۲، ش ۱، ص ۱۷۷-۲۱۷.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۰). تفسیر المیزان، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی. قم: دارالعلم.

ظریف، محمد جواد و سید مهدی سجادیه (۱۳۹۳). «صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، س ۱۰، ش ۲۰، ص ۱۰۳-۱۴۸.

عبداللهی علی بیگ، حمیده (۱۳۸۳). «قاعده اکراه»، مطالعات اسلامی، س ۲۰، ش ۶۴، ص ۶۱-۹۰.

علیمرادی، امان‌الله (۱۳۸۴). «قاعده نفی عسر و حرج»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۱، ش ۳، ص ۱۴۳-۱۵۲.

قدر دان قرا ملکی، محمد حسن (۱۳۸۶). «جایگاه مصلحت در تشریح احکام اجتماعی اسلام»، حکومت اسلامی، س ۱۲، ش ۴۶، ص ۱۳۳-۱۵۸.

قرهی، محسن. (۱۳۹۸). «پایان جنگ از نگاهی دیگر»، ایران، بخش پایداری.

قریشی، سیدرسول (۱۳۹۷). «بازخوانی مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران: تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت و سازوکار تعیین متجاوز»، مطالعات دفاع مقدس، س ۴، ش ۱۵، ص ۵۳-۸۱.

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۹۳). «طبق نظر امام نباید می‌گذاشتیم که پرچم صلح دست عراق باشد»، خبرگزاری دفاع مقدس، دسترسی در: <https://defapress.ir/fa/news/23508>

مؤمن زاده، رضا (۱۳۸۶). «ملاحظات و پیامدهای انتشار یک سند تاریخی (نامه تاریخی امام درباره پذیرش قننامه ۵۹۸)»، نگین ایران، س ۶، ش ۲۱، ص ۳۴-۴۳.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۳). عملیات کربلای ۵: پیشروی در شرق بصره (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب‌ها) ضمیمه عملیات تکمیلی کربلای ۵ - عملیات کربلای ۸. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

ملایی، محمد رضا (۱۳۸۷). «قاعده اضطرار»، جستار، س ۶، ش ۲۰، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰-۱۹۹، شناسه دیجیتال: jet. ۲۱۵۶۳/۲۰۰۸/۲۲۰۸۱/۱۰.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۳). دعوت قرآن به رفع فتنه از تمام عالم. سایت جامع امام خمینی.

————— (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی، سیدعباس و سید محمد رضا موسوی جوردی (۱۳۹۹). «نسبت‌سنجی حکم حکومتی با احکام اولیه و ثانویه الهی، با تأکید بر دیدگاه امام خمینی قدس سره»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۷، ش ۶۱، ص ۷-۲۸.

میرزاده کوهشاهی، نادر و حسن فارسی (۱۳۸۹). «جایگاه مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام خمینی»، در کنگره ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی امام خمینی، ۱-۱۶. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم و پژوهشکده مطالعات میان فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی.

ناصری، سیروس (۱۳۹۵). «پشت پرده دیپلماسی جنگ و جزئیات مذاکرات با نماینده ویژه صدام»، رمز عبور.

نوبهار، رحیم (۱۳۹۸). «از حفظ حکومت تا حفظ نظام»، پژوهش حقوق عمومی، س ۲۱، ش ۶۳، ص ۴۳-۶۴.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷). پشت پرده ماجرای مک‌فارلین. مصاحبه توسط رضا خجسته رحیمی. تهران: هفته نامه شهروند.

————— (۱۳۸۹). دفاع و سیاست: کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۶. تهران: دفتر نشر معارف.

————— (۱۳۸۴). گفتگو با جوانان در جریان تبلیغات انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری. تهران.

————— (۱۳۹۱). «هاشمی رفسنجانی: من سپاه را به وجود آوردم/ امام با ختم جنگ پس از فتح خرمشهر مخالفت کردند/ به امام گفتم قطعنامه را قبول و مرا محاکمه کنید»، تاریخ

ایرانی، دسترسی در: <http://tarikhirani.ir/fa/news/2428>

ولایتی، محسن (۱۳۹۴). «مبانی فقهی حفظ نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی قدس سره»،

رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ... - دهقانی فیروزآبادی (۱۱۱-۶۲) / ۱۱۱

مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۲، ش ۴۲، ص ۹۹-۱۱۶.

- Boddy-Evan, A. 2020. "What Are Political Institutions?," *ThoughtCo*, <https://www.thoughtco.com/political-institutions-44026>.
- Cambridge. 2023. "expediency," *Cambridge English Dictionary*, Accessed March 16. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/expediency>.
- Creswell, John W., and J. David Creswell. 2017. *Research Design Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. SAGE Publications.
- Dorani, S. 2019. "The Foreign Policy Decision Making Approaches and Their Applications – CESRAN International," *CESRAN International*.
- Hill, Christopher. 2015. *Foreign Policy in the Twenty-First Century*. London: Red Globe Press.
- Marume, S.B.M., R.R. Jubenkanda, and C.W. Namusi. 2016. "The Concept of Approaches in the Social Sciences, In Particular Public Administration," *IOSR Journal of Business and Management* 18 (2): 69-72.
- merriam-webster. n.d. "Definition of EXPEDIENCY," *merriam-webster*, <https://www.merriam-webster.com/dictionary/expediency>.
- Morin, Jean-Frédéric, and Jonathan Paquin. 2018. *Foreign Policy Analysis*. Cham: Palgrave Macmillan.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی